

## تأثیر شکاف و گسست نسلی بر مشروعیت و مقبولیت حکومت در جمهوری اسلامی ایران

### چکیده

وجود شکاف‌های اجتماعی در بطن جامعه ایرانی امری انکارناپذیر است که در انواع مختلف آن قابل مشاهده و بحث و بررسی است از جمله انواع شکاف‌های اجتماعی، شکاف و یا گسست نسلی است که در جامعه امروز ایران، مباحث و چالش‌های علمی و نظری مختلفی را به وجود آورده و این مهم از ابعاد مختلف تحت تحلیل و پژوهش علمی قرار گرفته است. این مقاله تلاش نموده تا اثرگذاری شکاف نسلی بر موضوع «مشروعیت و مقبولیت حکومت» را مورد تحلیل قرار دهد. باید در نظر داشت که شکاف‌های اجتماعی و از جمله گسست نسلی می‌تواند مشروعیت و مقبولیت یک حکومت را به تحلیل برد. از این رو مقاله حاضر با هدف تبیین و تشریح اثرگذاری گسست نسلی بر میزان مشروعیت و مقبولیت حکومت در جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ هجری شمسی به انجام رسیده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع و متون کتابخانه‌ای به انجام رسیده این نتایج حاصل گردیده که شکاف‌های اجتماعی موجب ایجاد گسست و تمایز هویتی بین نسلی، بی‌ثباتی سیاسی و اخلال در امنیت ملی و تضعیف رشد اقتصادی شده و از این طریق بر مشروعیت و مقبولیت حکومت تأثیر می‌گذارد.

### کلید واژگان:

مشروعیت، مقبولیت، شکاف‌های اجتماعی، گسست نسلی، قوم‌گرایی، فاصله طبقاتی

## الف- بیان مسئله

از جمله مباحث بنیادی و اساسی هر حکومتی بحث مشروعیت و مقبولیت است. مشروعیت به معنای فرمانبری داوطلبانه و پذیرش آگاهانه مردم از تصمیمات قدرت سیاسی حاکم و برحق بودن یا حقانیت است. مقبولیت نیز به معنای پذیرش، قبول و انتخاب حاکمان از طرف مردم برای اعمال حاکمیت و اجرای دستورهای یک نظامی سیاسی است. در فرهنگ سیاسی، بین مشروعیت و مقبولیت یک نظام سیاسی تفاوتی وجود ندارد، چون بر آن اساس، مشروعیت هر حکومتی از مقبولیت آن سرچشمه می‌گیرد. منظور از شکاف‌های اجتماعی<sup>۱</sup> عوامل گسستی است که جامعه را از نظر جمعیتی به چند گروه متفاوت تقسیم می‌کند و این گروه بندی‌ها ممکن است تشکل‌ها و سازمان‌های سیاسی پیدا کند.

جهت‌گیری و تمایل مردم به سوی فرهنگ مصرفی باعث شده فرد برای این‌که تشخیص و منزلت پیدا کند، باید متمایز بودن خودش را به نمایش بگذارد. کالاهای بسیاری را می‌توان نام برد که افراد با مصرف آن‌ها خود را از دیگران متمایز و برای خود سبک زندگی و ذائقه‌های خاص تعریف می‌کنند. تمایز گذاری کارگزاران این شکاف‌ها، در حوزه‌های مصرف، تغذیه، پوشاک، تفریح و اوقات فراغت، تشکیل خانواده و ازدواج و مدیریت بدن مشخص می‌گردد. علاوه بر این تغییرات مهمی در عرصه اجتماعی و فرهنگی کشور اتفاق افتاده است که این تغییرات تا حدی باعث شدند که معیارهای شکاف‌های اجتماعی با عصر پیش از خود تفاوت‌هایی داشته باشند. رشد فزاینده استفاده از تکنولوژی اطلاعات و ارتباطات، اولین تحول است که آمار منتشر شده بر روی وب سایت آمار جهانی اینترنت نشان می‌دهد تعداد کاربران اینترنت ایران در سال ۲۰۰۰، حدود ۲۵۰ هزار نفر بوده که در سال ۲۰۱۸، ۱۵ میلیون نفر شده است. نکته قابل توجه آن‌که نسل جوان بیشترین کاربران اینترنت هستند و تاثیرات فضای مجازی خود از جمله ویژگی‌هایی است که تفاوت نسل‌ها را به خوبی نشان می‌دهد.

در این مقاله در واقع ما در پی پاسخگویی به این سؤالات خواهیم بود که تاثیر گسست نسلی بر میزان مشروعیت و مقبولیت حکومت در جمهوری اسلامی ایران در بازه زمانی ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ چگونه قابل ارزیابی و تحلیل است؟ در راستای پاسخگویی به این سؤالات با استفاده از منابع و متون علمی و تفکرات، اندیشه‌ها و دیدگاه‌های علمی اندیشمندان مباحث مربوطه را به بوطه نقد و بحث گذارده و تلاش خواهد شد تا با اتکاء به پژوهش‌ها و نظریه‌ها علمی و تألیفات و تقریرات صورت پذیرفته مرتبط با موضوع، موضوعات تحقیق را مورد بحث و بررسی علمی قرار داده و نتایج تحقیق مستند بیان گردد.

---

<sup>1</sup> - Social Cleavages

## ۱- مفهوم شناسی

### ۱-۱- شکاف اجتماعی

مفهوم شکاف‌های اجتماعی به آن دسته از تمایزات و تفاوت‌های پایداری که در جریان مبارزات انتخاباتی و رفتار رای دادن مشاهده شده است، به کار می‌رود. برخی‌ها معتقدند که آن دسته از تقابل‌هایی که ساختاری و موجد گسست صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساخت جامعه باشد خواه در کنش‌های خشونت‌آمیز مانند انقلاب نمود پیدا کند و خواه مسالمت‌آمیز مانند رقابت‌های انتخاباتی باشد، شکاف اجتماعی می‌گوییم (محمودی، ۱۳۷۸: ۲۲). معمولاً در جوامع به حکم تقسیم کار اجتماعی، عوامل مربوط به تبار و حسب و نسب، جنسیت و غیره چندین شکاف وجود دارد که می‌توان به شکاف‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، قومی و مذهبی اشاره کرد. از منظری دیگر، شکاف‌های اجتماعی به معیارها و مرزهایی دلالت دارند که گروه‌های مختلف اجتماعی را از یکدیگر جدا می‌سازد و یا آنها را رویاروی یکدیگر قرار می‌دهد. (داوودی، ۱۳۸۱: ۲۲۴). دیدگاه سوم معتقد است که اگر جامعه را به مثابه کلی واحد بدانیم که مرکب است از افراد، موسسات و شبکه ارتباطی بین آنها، آنگاه اقتضای طبع و اصل منفعت‌طلبی افراد در قالب گروه‌های مختلفی تجمیع می‌نمایند که از یکدیگر متفاوت هستند. در شکل طبیعی آن؛ دال بر مرزهای اختلاف بین گروه‌ها و نهادها دارد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۸۷). منظور از شکاف‌های اجتماعی این است که اختلافات موجود بر سر مسائل اساسی بوده و نوعی دو قطبی پدید آید، به طوری که همسو کردن نظرات متفاوت به آسانی امکان پذیر نباشد.

گاهی از شکاف‌های اجتماعی با عنوان تضاد اجتماعی و یا تعارض اجتماعی نیز یاد می‌کنند. حتی پاره‌ای دیگر از اصطلاح فاصله اجتماعی هم بهره می‌گیرند. البته هر سه اصطلاح به مقوله تقابل در جامعه اشاره دارند. اما تفکیک چند عنصر از یکدیگر به دقت تعریف و امکان تفکیک مفهومی این سه واژه کمک شایانی می‌کند. اول؛ تقابل اجتماعی می‌تواند همه نمودهای خشونت‌آمیز مانند شورش و انقلاب، و هم نمودهای مسالمت‌آمیز مانند رقابت‌های حزبی و انتخاباتی را در بر بگیرد. دوم؛ تقابل اجتماعی می‌تواند گذرا و مقطعی یا پایدار و ماندگار باشد. سوم؛ تقابل اجتماعی هم در ساختار جامعه ایجاد شده و باعث گسست، صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساختار جامعه و هم اینکه باعث نوعی عدم تعادل و توازن در بافت جامعه می‌گردد (محمودی، ۱۳۷۸: ۲۲).

شکاف‌های اجتماعی ناظر به آن دسته از تقابل‌های ساختاری است که موجد گسست، صف‌آرایی و گروه‌بندی در ساخت جامعه شوند؛ بر این اساس، گروه‌های اجتماعی از یکدیگر جدا و در مقابل هم قرار می‌گیرند و اختلافات اساسی درباره مسائل اصلی جامعه نوعی وضعیت دو قطبی را در جامعه حاکم می‌کند. به-

طوری که همسو و یک کاسه کردن دیدگاههای متفاوت آنها به آسانی امکان پذیر نیست. شکاف‌های اجتماعی گذرا و مقطعی نیستند بلکه ریشه در تاریخ یا ساختار اجتماع دارند و لزوماً به تنش خشونت آمیز منجر نمی‌شود بلکه در قالب‌های جامعه مدنی نمودهای مسالمت آمیز پیدا می‌کند. شکاف اجتماعی عملاً موجب تقسیم و تجزیه جمعیت و تکوین گروه بندی‌ها می‌شود (بشیریه، ۱۳۹۷: ۹۹).

## ۱-۲- گسست نسلی

آزاد ارمکی شکاف نسلی را به معنی وجود تفاوت‌های دانشی، گرایشی و رفتاری بین نسل‌های موجود در خانواده از قبیل والدین و فرزندان با وجود پیوستگی‌های کلان متأثر از ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و تاریخی تلقی می‌نماید (آزاد ارمکی، ۱۳۸۳: ۵۷۳). که بر وجود منافع، مطالبات و سوگیری‌های نامتجانس و ناسازگار در میان نسل‌ها دلالت دارد (همان: ۸۶). شکاف نسلی، یک موقعیت بسیار استثنایی و ویژه است. با وجود این که نوعی وضعیت خاص استقرار نسل‌ها می‌باشد، ولی احتمالاً موقعیتی بحرانی هم به لحاظ تجربی و هم مسأله‌ای به لحاظ نظری است. در چنین وضعیتی، دو نسل از یکدیگر منفک و جدا می‌شوند، بین آنها یک شکاف بسیار اساسی اتفاق می‌افتد و پیوستگی در رابطه آنها بسیار کم می‌شود. در این وضعیت، گسست نسلی محصول همین بی‌ارتباطی است (تاجیک، ۱۳۸۳: ۱۳). دور شدن تدریجی دو یا سه نسل پیاپی از یکدیگر از حیث جغرافیایی، عاطفی، فکری و ارزشی، وضعیت جدیدی را ایجاد می‌کند که اصطلاحاً گسست نسلی نامیده می‌شود (رحیمی، ۱۳۹۰ به نقل از اسپاک، ۱۳۶۴: ۲۵۹).

در رویکرد گسست رابطه نسل‌ها با یکدیگر بر مبنی احساس بی‌نیازی و استقلال کامل است که در عمل منجر به فاصله گرفتن از یکدیگر می‌شود و به مرزبندی و جدایی کامل از هم می‌انجامد. شکل نهایی گسست نسلی «انقطاع نسلی» است. که حد نهایی بی‌ارتباطی بین نسلی و در بعضی از سطوح رابطه خصومت آمیز بین نسل‌هاست. گسست نسلی به موقعیتی اطلاق می‌شود که حداقل توافق فرهنگی و اجتماعی که منشاء تزاخم نسلی است، وجود دارد (آزاد ارمکی، ۱۳۸۹: ۸).

## ۲- زمینه‌های بالقوه شکاف فرهنگی و گسست نسلی در ایران

ایران معاصر از زمینه‌های بالقوه مناسبی برای بروز تضاد شکاف در تمامی سطوح و عرصه‌ها برخوردار است. و رفته‌رفته در دهه چهارم انقلاب اسلامی ساختاری پارادوکسیکال پیدا می‌کند چنین ساختاری استعداد مناسبی برای وقوع منازعه و کشمکش بین نیروهای سیاسی - اجتماعی دارد. تداوم بی‌ثباتی سیاسی در ایران

معاصر و وقوع بی‌ثباتی سیاسی پس از انتخابات دهم ریاست جمهوری ۸۸، حوادث سال‌های ۹۶، ۹۸ و البته پاییز ۱۴۰۱، بهترین شاهد و دلیل بر این مدعاست. در این بین شکاف فرهنگی و گسست نسلی در جامعه معاصر ایران را باید یکی از دلایل اصلی موثر بر بی‌ثباتی سیاسی در ایران و بالاخص حوادث پس از انتخابات، مشکلات اقتصادی و مرگ خانم مهسا امینی، شکاف فرهنگی و گسست نسلی در جامعه ایران امروزی و تشدید آن ریشه در عوامل ساختاری فارغ از اراده دولت‌ها از یک‌سو و سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و گفتمان‌های حاکم بر دولت‌های بعد از انقلاب دارد دلایل اصلی تشدید شکاف فرهنگی و گسست نسلی در جامعه معاصر ایران و تاثیر آن بر بی‌ثباتی سیاسی در حوادث بعد از انتخابات را می‌توان در ۳ دلیل عمده جستجو کرد که به تحلیل و تبیین آنها می‌پردازیم.

## ۲-۱- تحول در ساختار جمعیتی

در جامعه‌ای با هرم سنی بسیار جوان، پتانسیل مناسبی برای بروز تعارض نسلها وجود دارد و بی‌تردید بازتاب جدی در تضادها و بی‌ثباتیهای سیاسی می‌یابد. هرم سنی جمعیت کشور نشان می‌دهد که به دنبال سیاستهای غیر دوراندیشانه جمعیتی کشور در سالهای پس از پیروزی انقلاب ایران و در پایان دهه ۸۰ شمسی با بیش از ۶۰٪ جمعیت زیر ۲۴ سال، ایران یکی از جوانترین کشورهای جهان بود که این ترکیب جمعیتی در همه شوون سیاسی اجتماعی اقتصادی و فرهنگی کشور بسیار اثرگذار خواهد بود. در حال حاضر، نظام سیاسی با طبقه سنی خاصی مواجه شده است که ماهیتا با دوران قبل از بلوغ متفاوت است. این طبقه سنی اکثریت دارای دو دسته خواسته است: الف) خواسته‌های مادی از قبیل اشتغال، مسکن، امکانات و تسهیلات ازدواج آموزش متوسطه و... ب) خواسته‌های معنوی از قبیل امکانات برای پرکردن اوقات فراغت، مشارکت در امور سیاسی و اجتماعی و تحقق آمال و آرزوهای فردی و ...

اگر توانایی جسمی و انرژی متراکم جوانی رفتار غیرعقلانی احساسی عاطفی و هیجانات خاص دوران جوانی، آمادگی برای مشارکت در رفتارهای جمعی و اعتراضی مثل شورشها و منازعه‌ها را در نظر بگیریم و علاوه بر آن، نبود مجراهای ارتباطی شکاف نسلها گسست‌های هویتی و فقدان مفاهیم نسلی، ارتقای سطح آگاهی عمومی نسل جوان کشور در نتیجه انقلاب انتظارات آنان را همراه ناکارآمدی نسبی حکومت مورد مذاقه قرار دهیم، پتانسیل منازعه آفرینی ساختار جمعیتی کشور بیش‌ازپیش آشکار خواهد شد. بدین ترتیب این نسل آمادگی روانی لازم را دارد تا پیاده نظام جناحهای سیاسی بسیج‌گر قرار گیرد (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۲۹۹).

حضور نسل جوان در اعتراضات و عدم اعتماد به نهادهای سیاسی و بروز رفتارهای ساختارشکنانه و غیرقانونی در نتیجه تشدید فضای احساسی و هیجانی جامعه نشانگر مشارکت انفجاری توأم با احساس این

قشر در نتیجه بسیج سیاسی از سوی جناح‌های سیاسی و تبلیغات و اثرگذاری فضای مجازی بود که به طور جدی این نسل را با خود همراه ساخته است.

## ۲-۲- تحصیلات

بعد از انقلاب فرهنگی و وقفه‌ای کوتاه در روند گسترش و توسعه آموزش عالی در اوایل انقلاب اهتمام و توجه به آموزش عالی در دوران ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی به صورت فزاینده‌ای در دستور کار دولت قرار گرفت که تاسیس دانشگاه آزاد اسلامی و گسترش سایر دانشگاه‌ها بهترین گواه بر این مدعاست. (Arjomand, 2009: 125). جنبه‌های مثبت و اثرات مثبت واقعی این سوق دادن جمعیت به سوی تحصیلات دانشگاهی انکارناپذیر است. علی‌رغم جنبه‌های مثبت افزایش تعداد دانشجویان بایستی برای مشکلات و دغدغه‌های قشر دانشجو بویژه اشتغال ازدواج و مسکن چاره اندیشی شود. که این امر چندان مورد توجه قرار نگرفت و زمینه گسست و شکاف‌های بعدی را ایجاد نمود.

برای کالبدشکافی موضوع در وهله اول با یک چالش و به بیان بهتر پرسش اساسی مواجه هستیم چرا نخبگان جامعه ایران غرب‌گراتر از عامه مردم‌اند؟ تأثیر ماهیت غرب بر جامعه ایران به دو صورت تحقق یافته و می‌تواند بیابد. (۱) تأثیر از طریق سرایت نحوه حیات غربی که خود ناآگاهانه و اصیل‌تر است و (۲) تأثیر از طریق سرایت گفتمانی که خود آگاهانه‌تر است و به نحو بیمارگونه‌ای بروز می‌یابد. گروه‌های مرجع از آن جهت اهمیت دارند که رفتارها آگاهی‌ها ایدئولوژیها و یا افکار معینی را به افراد القا می‌کنند. خیلی از افراد گروه‌های مرجع را سرمشق قرار می‌دهند. برای معتقدان به مذهب معینی، پیشوایان دینی گروه مرجع به حساب می‌آیند. شرط اصلی متابعت از رفتارهای گروه مرجع عضویت در آن نیست، چرا که در مواردی فرد در گروه مرجع عضویت ندارد اما رفتارهای آن را مورد توجه قرار می‌دهد و یا در آرزوی عضویت در آن به سر می‌برد. موقعیت گروه مرجع در سلسله مراتب اجتماعی عملاً سطح آرزوهای فردی را که به آن علاقمند است مشخص می‌کند (محسنی، ۱۳۸۲: ۱۴۱-۱۴۰). تلاش جمهوری اسلامی همواره بر این اصل استوار بوده که بتواند نهادهایی فرهنگی - مذهبی چون روحانیت مسجد، بسیج دانشجویی و ... را به عنوان گروه‌های مرجع مورد تأیید نظام معرفی کرده و تقویت کند. در این نکته که جامعه ایران جامعه‌ای دینی بوده و نسل جوان تحصیلکرده نیز به تبع آن معتقد به ارزشها و مبانی اسلام است نباید تردید کرد اما نمی‌توان این مسئله را هم نادیده گرفت که نسل جوان در طی سالهای اخیر ذائقه فرهنگی‌اش در مقایسه با دوره‌های گذشته دچار تغییر و تحول شده است. به نحوی که از جذابیت گروه‌های مرجع مثبت سابق (روحانیت، مسجد و ...) کاسته و در مقابل گروه‌های مرجع

نوظهوری چون سلبریتی‌ها، رسانه‌های ارتباطی بیگانه همچون شبکه‌های ماهواره‌های خارجی، واتس‌آپ، تلگرام، یوتیوب، و... توانسته‌اند مخاطبان قابل توجهی را در جامعه ایرانی به دست آورند.

## ۲-۳- رسانه‌ها و فناوری‌های جدید

در گذشته ارتباط جوانان با یکدیگر در الگوهای قابل کنترل توسط نسل‌های قبلی و نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده، مدرسه، دانشگاه و ... انجام می‌گرفت. اما اکنون اینترنت و دنیای مجازی ارتباط میان نسل جوان را بسیار بیش از گذشته از کنترل نسل‌های پیشین خارج ساخته است و جوانان در ابعاد ملی و بین‌المللی با یکدیگر ارتباطات بیشتر و پیچیده تری پیدا کرده‌اند. بدین ترتیب می‌توان با قاطعیت از زمینه‌های ظهور آگاهی نسلی سخن به میان آورد از جمله مظاهر الگوهای ارتباطی میان نسل جوان که منجر به ظهور الگوهای ارزشی و رفتاری تازه در میان جوانان شده است (کاشی ۱۳۸۳: ۲۷-۲۶). شبکه‌های اجتماعی را می‌توان به عنوان رسانه‌های جدیدی در نظر گرفت که در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی تغییراتی ایجاد کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی از سویی به عنوان یکی از گونه‌های رسانه‌های اجتماعی امکانات قابل توجهی برای کاربران اینترنتی فراهم کرده‌اند و در افزایش مشارکت شهروندان در برخی فرآیندها موثر بوده‌اند از سوی دیگر این شبکه‌ها عرصه ارتباطات سیاسی را نیز متحول کرده‌اند.

در یک شبکه اجتماعی، سلسله مراتب عمودی وجود ندارد و تنها عامل مهم افرادی هستند که هر کس در این گراف به هم پیوسته به آن‌ها مرتبط است. در تعامل بین این کانون‌های متناظر است که فرهنگ و ارزش‌های جامعه متبلور می‌شوند. ارزش‌های افراد به شدت تحت تاثیر فرهنگ جامعه و گرایش‌های حاکم بر جامعه و شبکه‌های اجتماعی است که در آن واقع شده‌اند. اعضای هر شبکه بایستی با ارزش‌ها و استانداردهای رفتاری پذیرفته شده در آن هم‌نوا شوند. امری که نادیده گرفتن آن می‌تواند به فشار از جانب سایر اعضا به صورت انزوا و طرد از شبکه اجتماعی منجر شود. در این‌صورت فرد مطرود از بخشی از امتیازات شبکه اجتماعی محروم شده و برای برخورداری از مزایای کامل شبکه، مجبور است که همانندسازی را پذیرفته و با هنجارها و ارزش‌های غالب در شبکه هم‌نوا شود. نظریه «مارپیچ سکوت» توسط نونل نیومن جامعه‌شناس آلمانی ارائه و بر طبق این نظریه افراد اقلیتی که احساس می‌کنند نظرشان با نظر اکثریت متفاوت است از ترس طرد شدن عقب‌نشینی کرده و آن را به زبان نمی‌آورند در نتیجه، سکوت آنها باعث می‌شود تا موضع اکثریت تقویت شده و نظر اقلیت حذف شود. بدین ترتیب مارپیچ سکوت شکل گرفته و ارزش‌هایی که در جامعه حکمفرما بودند نمود بیشتری خواهند داشت. با مطالعه این ارزش‌هاست که می‌توان به تمایلات اعضای یک شبکه اجتماعی پی برد و کارکرد و پیامدهای عضویت در آن را بررسی کرد.

در ایران معاصر، نسل جدید در محیط رسانه‌ای شده زندگی می‌کند. نسلی که کنش و تجربه انسانی را در دنیای پر هیاهوی مجازی همچون شبکه‌های اجتماعی، پیج‌های اینستاگرامی، کانال‌های تلگرامی و... تجربه می‌کند تجربه‌های او به نحو برنامه‌ریزی شده سامان پیدا می‌کند و هویت و طلب معنای زندگی در چنین فرایندی رخ نماید. اگرچه رسانه‌های جدید که یکی دو دهه اخیر عرصه جهانی را دستخوش تغییر و تحول ساخته‌اند همه گروه‌های سنی را در بر می‌گیرند اما باید توجه داشت که نسل جوان علاوه بر آنکه بیش از پدران خود در معرض پیام‌های رسانه‌ای است اثرپذیری بیشتری نیز نسبت به این پیام‌ها دارد (کاشی، ۱۳۸۳: ۲۶-۲۵). امروزه شبکه‌های اجتماعی مجازی به خوبی می‌توانند نقش هلی برن در انتقال ایدئولوژی سبک زندگی و ذائقه فرهنگی غرب را به سرزمین خودی ایفا کنند. هر چه از نسل سالمند به نسل جوان بعد از آن می‌شود، شویم میزان بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی و فضای مجازی بیشتر می‌شود.

## ۲-۴- فضای مجازی و تغییر در سبک زندگی و دگرگونی ارزش‌ها

شبکه‌های اجتماعی مجازی نقش عمده و مهمی را در عرصه تغییر و تحولات اجتماعی برعهده دارند و این وسایل منشأ بسیاری از تحولات معاصر، راهنما و کنترل‌کننده جریان‌ها و تحولات در جهان محسوب می‌شوند (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۴). شبکه‌های اجتماعی مجازی به واسطه ایجاد امکان برقراری ارتباط سریع همزمان و غیرهمزمان، دسترسی به حجم زیادی از اطلاعات و انتشار گسترده آن کاربردهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بسیاری را در این زیست جهان جدید رقم زده و توجه میلیون‌ها کاربر را از سراسر دنیا به خود جلب نموده‌اند. به دلیل رشد روزافزون تعداد اعضا و بعد تأثیرگذاری بر فضای واقعی، این شبکه‌ها اهمیت زیادی یافته و در طی یک دهه از پدیده‌های موقتی به جهانی تبدیل شده‌اند. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی به عنوان مهم‌ترین مصادیق این امر، نفوذ هرچه بیشتر و تأثیر انکارناپذیر بر کلیه ابعاد شناختی آدمی یافته و فرهنگی نو به وجود آورده است. براساس تعریف صدیق بنای، شبکه‌های اجتماعی واژه‌ای است که برای نامیدن گروهی از افراد که در این میان خود دارای ارتباطات وسیع و مستمر هستند و یک حلقه منسجم ارتباطی را تشکیل می‌دهند، به کار می‌رود (بشیر؛ افراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۲).

کاستلز معتقد است تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی، با فراهم آوردن امکان پیدایی جامعه شبکه‌ای که افراد و جوامع را در قالب‌های تازه هویت بخشیده، نه تنها قواعد و قوانین حاکم بر ارتباط و تعامل میان انسان‌ها، بلکه ایستار ما را نسبت به خود، دیگران و جهان تغییر داده است. جامعه شبکه‌ای از منظر کاستلز، تمام دامنه‌های زندگی اجتماعی را در بر گرفته و در چنین جامعه‌ای، افراد همواره در حال ارتباط با یکدیگر



هستند تا ساختار اجتماعی را بهبود بخشند (بشیرافراسیابی، ۱۳۹۱: ۳۸). نظریه جامعه شبکه‌ای تأثیر شبکه‌های اجتماعی اینترنتی را بر همه ابعاد زندگی نشان داده و مطرح می‌کند که چگونه شبکه‌های اجتماعی اینترنتی سبب تغییر سبک زندگی افراد می‌شود.

### ۳- آثار و شاخص‌های اصلی شکاف نسلی در جامعه ایران

#### ۳-۱- اهمیت مسائل سیاسی برای نسل جوان

علاقه روبه‌گسترش نسل جوان به مسایل سیاسی در ایران معاصر و لزوم بسترسازی و نهادینه کردن آن به شکل قانونی و مسالمت‌آمیز بر هیچ‌کسی پوشیده نیست. دغدغه اصلی نظام جمهوری اسلامی در این عرصه حول دو مسئله اساسی شکل گرفته است. اول آنکه ارزش‌های باز تولید کننده مشروعیت سیاسی در بین گروه‌های نسلی گوناگون و بویژه نسل جوان در چه وضعی قرار دارد و دوم اینکه گروه‌های نسلی مختلف و بویژه نسل جوان تحصیلکرده که فاقد خاطره از انقلاب و جنگ است تا چه حد تحت کنترل این ارزش‌های باز تولید کننده قرار دارند. برای حصول به این هدف بایستی در وهله اول به نوع و ماهیت ارتباط مخاطبان و البته نسل فاقد خاطره از جنگ و انقلاب با حوزه سیاست پرداخت. لازم بذکر است که تجربه‌های ویژه و گرم انقلاب و جنگ می‌تواند نقطه ممیز مهمی برای تمییز و تفکیک پنج گروه نسلی از یکدیگر باشد با این حال سرعت تحولات فرهنگی و سبک زندگی در سالهای اخیر به اندازه‌ای بود که می‌توان ادعا نمود که ابتکار عمل از دست مسئولین فرهنگی کشور خارج شد.

علاوه بر عامل جوانی، تحصیلات نیز نقش تعیین کننده‌ای در افزایش گرایش به مسایل و امور سیاسی دارد. در این میان نسل فاقد خاطره از انقلاب و جنگ، بیشترین اهمیت را برای مسایل و امور سیاسی قائل است. نسل متولدین دهه ۸۰ که از آنان به عنوان نسل Z نیز نام می‌برند به یکی از اقشار و طبقات مهم اجتماعی تأثیر گذار در ایران تبدیل شده است که تبعات این امر را می‌توان در بسیاری از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مشاهده کرد. عامل مهم دیگری که در سهم عمده‌ای در گرایش به مسایل سیاسی دارد مسئله جنسیت است. مردان در مقایسه با زنان گرایش بیشتری به مسایل سیاسی دارند. زنان در مقایسه با مردان محافظه‌کار ترند و خواستار حفظ وضع موجود هستند. زنان ایرانی در مقایسه با مردان هنوز در جایگاه پایین‌تری هستند اما آنها نیز در نتیجه تحولات گسترده در ساخت و ترکیب جنسیتی جامعه ایران در حال تبدیل به یک نیرو و بازیگر سیاسی موثر و فعال هستند. رشد حضور و تأثیرگذاری زنان در طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۴۰۰ به گونه‌ای بود که هر چقدر شاهد حضور بیشتر زنان در سطح فعالیت‌های سیاسی اجتماعی بودیم، بافت

گروه‌های فعال و شیوه اقدامات آنان نیز متحول می‌شد، به شکلی که در حوادث پاییز ۱۴۰۱ اساساً مطالبات زنان در خصوص مسائل فرهنگی در صدر مسائل قرار داشت. حضور روزافزون زنان نسل جوان در عرصه سیاسی در دهه‌های اخیر و بویژه مشارکت چشمگیر در انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ و البته اعتراضات پس از انتخابات، حضور آنان در حوادث سالهای ۹۶، ۹۸ و ۱۴۰۱ ریشه در افزایش تمایل و گرایش زنان جوان و بویژه تحصیلکرده به تاثیرگذاری بر روند حیات سیاسی در جامعه ایران و تلاش برای تقویت نقش زنان در ساختار فرصت سیاسی جمهوری اسلامی دارد حضور زنان نخبه در عرصه سیاسی و انتخاباتی را می‌توان از یکسو دلیلی بر افزایش تمایل زنان تحصیلکرده برای حضور در عرصه سیاست دانست.

### ۳-۲- تحول در رابطه دین و سیاست

حضور و نقش آفرینی دین در جامعه کنونی ایران به دو صورت متجلی شده است. اول آنکه دین در تمامی عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران نقشی تعیین‌کننده و کلیدی دارد و به نوعی بر تمامی عرصه‌های مذکور شدیداً تاثیر گذار است. دوم حضور دین در کانون سیاست و نقش کلیدی آن در مشروعیت بخشی به نظم سیاسی موجود یا همان جمهوری اسلامی است بخشی از آموزه‌های دینی در سالهای پس از انقلاب به مثابه گزاره‌های بنیادین نظم بخشی آمرانه در عرصه سیاسی حضور جدی داشته اند و انتظار می‌رود که در نتیجه این حضور بیش از حد معمول تقویت و یا تضعیف شده باشند و یا تحت تاثیر جناح‌بندی و صف‌بندی‌های سیاسی وضعیتی دو و یا چند قطبی را در افکار عمومی ایجاد کرده باشند (کاشی، پیشین: ۱۱۳). در جریان آرایش سیاسی پس از انقلاب حضور دین در عرصه سیاسی محوری‌ترین شاکله ایدئولوژی انقلاب اسلامی را تشکیل می‌دهد. در برابر این نظم هژمونیک نیز جریان مقاومتی وجود دارد که معتقد به جداسازی دین از عرصه سیاسی و یا به عبارت دیگر بیرون بردن دین از عرصه سیاسی است. تقریباً در تمامی نسلها نوعی وجه دو قطبی میان افرادی که با ایده سکولاریسم موافق هستند و افرادی که مخالف ایده جدایی دین از سیاست هستند وجود دارد.

نگاهی گذرا به خطابه‌ها، همایش‌ها، درج اخبار و مطالب فراوان درباره خطر گسترش تفکر سکولاریته در بین نسل جوان بدون خاطره از انقلاب و جنگ و بویژه قشر تحصیلکرده و دانشجوی، لزوم سیاستگذاری برای مقابله با روند مذکور از طریق انقلاب فرهنگی در دانشگاهها بازبینی در سرفصل و دروس دانشگاهی اسلامی کردن دانشگاهها تاکید بر جنگ نرم و از همه مهمتر اهتمام ویژه نسبت به مقوله علوم انسانی در سالهای اخیر و علی‌الخصوص پس از انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ نشان از توجه ویژه و آگاهی نظام نسبت به این چالش

اساسی فراروی کشور است. افزایش سطح تحصیلات در جامعه معاصر ایران در نتیجه سیاستهای آموزشی دولت علی‌رغم نتایج بسیار سودمند آن با چالشی اساسی مواجه است و آن میل و گرایش به اندیشه سکولاریسم در بین نسل جوان و البته تحصیلکرده‌های است که اکثریت جامعه ایرانی را تشکیل می‌دهند.

### ۳-۳- رادیکالیسم، محافظه کاری و اصلاح طلبی

در یک نگاه کلی می‌توان مواضع قابل تصور در برابر هر نظام سیاسی را در سه مقوله اصلی دسته بندی کرد. (۱) آنهایی که خواهان حفظ وضع موجود هستند و مناسبات فعلی را ایده‌آل و فاقد آلترناتیو و جایگزین مناسب برای آن می‌دانند. (محافظه‌کار) (۲) آنهایی که خواهان تحول و تغییر بنیادی و اساسی در مناسبات و روابط موجودند و در آرزوی حذف کامل مناسبات موجود و پی‌ریزی ساختار جدید متناسب با مدینه فاضله خویش هستند (تندرو). (۳) آنهایی که خواهان انجام اصلاحات مسالمت آمیز در چارچوب مناسبات موجود هستند (اصلاح طلب).

دو عامل مهمی که در دنیای معاصر در کسب مشروعیت برای حاکمان و نظام سیاسی موثر است عبارتند از: (۱) اعتماد مردم به حاکمان (۲) عنصر کارآمدی نظام سیاسی. تنها شاخص که با آن می‌توان این دو محور را در یک جا مورد سنجش قرار داد میزان توانایی نظام سیاسی در برانگیختن تمایل شهروندان به حفظ مناسبات موجود است. در واقع با سنجش و تحلیل میزان وجود محافظه کاری و رادیکالیسم میتوان شاخص میزان اعتماد و کارآمدی نظام سیاسی را نزد گروه‌های نسلی مختلف مورد ارزیابی قرار داد.

### ۳-۴- اعتماد به نهادهای نظام سیاسی

اعتماد به عنوان یک سرمایه اجتماعی یکی از پایه‌های مشروعیت نظامهای سیاسی در دنیای جدید است. دولت‌ها همواره می‌کوشند تا بین نهادهای سیاسی مستقر در جامعه و مردم نوعی رابطه اعتماد و همکاری متقابل برای نیل به اهداف بوجود آورند. اعتماد عمومی سیاسی در پشتیبانی از تدوین و اجرای خط مشی‌های عمومی و همین‌طور همراهی و همکاری اثر بخش شهروندان نقش محوری ایفا می‌کند (۲۹۶: Gordon, ۲۰۰۰). به این ترتیب پیوند متولیان امور در بخش عمومی از یک سو و شهروندان از سوی دیگر بر میزان موفقیت و پیشرفت جامعه می‌افزاید و بی‌اعتمادی و جدایی مردم از حکومت آفتی بزرگ به شمار میرود (دانایی فرد، ۱۳۸۱: ۶۱-۵۷). در هر رابطه اجتماعی چه در قالب روابط اعضای یک گروه کوچک دوستانه و چه در میان اعضای حقیقی و حقوقی یک جامعه این ویژگی کم‌وبیش وجود دارد و تصور رابطه یا تعاملات اجتماعی بدون وجود حداقلی از اعتماد متقابل غیر قابل تصور است. کارکرد اعتماد این است که ایجاد روابط را

تسهیل و دوام آن را بیشتر می‌کند. هم چنین اعتماد مهم‌ترین انگیزه‌ای است که افراد را به داشتن ارتباطات دو-سویه یا چندسویه تشویق می‌کند و فقط در این حالت است که انسانها در عین تفاوت قادر به حل مشکلات خواهند بود.

یکی از عرصه‌هایی که مسئله اعتماد در آن مطرح است، عرصه روابط مردم و دولت است وجود اعتماد در این بخش، روابط دو طرف را تسهیل و باعث پایداری و بقای آن میشود. در همین رابطه برای که اعتماد می‌کنند میتوان مواهبی چون برقراری امنیت برخوردار از مواهب نظم، منافع مستقیم یا غیرمستقیم، اقتصادی، سیاسی اجتماعی، فرهنگی ارتباط، همیشگی عدم جدایی از حکومت و ارائه پیشنهادها و نظرات در راستای بهبود هر چه بیشتر امور مختلف را برشمرد و برای اعتماد شونده هم این اعتماد می‌تواند مواهبی از قبیل دوام و بقای حکومت بدون توسل به زور و خشونت رضایت مردم و اطمینان از پشتیبانی مردم در تصمیمات حساس، سیاسی اقتصادی و اجتماعی را در بر داشته باشد. در واقع اعتماد، رضایت را جایگزین سرکوب و زور میکند و حکومتی که به نحوی اعتماد مردم را جلب کرده باشد نیازی به کار برد خشونت ندارد و مردم نیز اعتماد خود را نزد حکومت سرمایه گذاری می‌کنند. بسیاری از اندیشمندان سیاسی به افول بسیار شدید اعتماد نسبت به دولتها از دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ تا به امروز در اکثر کشورهای پیشرفته اشاره کرده اند که روند کاهش علاوه بر کشورهای پیشرفته سایر کشورهای جهان از جمله کشورهای را نیز در بر گرفته است. (زاهدی؛ خانباشی، ۱۳۹۱: ۳۵). تحقیقات انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی از اول انقلاب تاکنون فرازونشیب و در بیشتر مواقع سیر نزولی داشته است. از آنجا که تلاش و شعار دولت‌های بعد از انقلاب برآوردن انتظارات و توقعات مردم است، انتظار می‌رفت که اعتماد سیاسی مردم رو به افزایش باشد، نه کاهش. نظریه‌های مورد مطالعه در تحقیق نشان می‌دهد که عواملی چون میزان رفاه و رضایت از زندگی مردم، اعتماد بنیادی و میزان دینداری آنان بر اعتماد سیاسی تاثیرگذار است. (شایگان، ۱۳۸۷: ۱۵۳)

### ۳-۵- کارآمدی نظام سیاسی

طبق تحقیقات صورت پذیرفته همه نسل‌ها موفقیت حکومت در مقوله امنیت را بیش از عدم موفقیت آن ارزیابی می‌کنند. بیشترین حوزه ناکامی نظام سیاسی از دید پاسخ‌گویان تامین رفاه مردم است. کارآمدی در علوم سیاسی بیشتر درباره نظام سیاسی استعمال میشود و در این میان کارآمدی و ناکارآمدی نظام سیاسی از مفاهیم جدیدی است که اخیراً راجع به نظام سیاسی کاربرد داشته است. در همین راستا، لیپست کارآمدی را تحقق عینی یا توانایی نظام در تحقق کارکردهای اساسی یک حکومت میداند؛ به گونه ای که بیشتر مردم و

گروه‌های قدرتمند درون نظام آن را مشاهده کنند (لیپست، ۱۳۷۴: ۱۱). آلموند و پاول نیز کارآمدی نظام سیاسی را عبارت از توانایی نظام سیاسی برای بسیج منابع در جهت انجام دادن کارویژه‌های خود به شکل موفقیت آمیز تعریف میکنند. کارآمدی در تعریف اصطلاحی دیگر عبارت است از آنچه در کل نهادهای سیاسی به نام آن تصمیم‌گیری میشود و اجرای این تصمیمها را از حکومت شوندگان می‌خواهند (ابوالحمد، ۱۳۸۴: ۲۴۷).

موضوع کارآمدی زمانی که با نظام سیاسی پیوند می‌خورد به دلیل آنکه با ماهیت و موجودیت نظام سیاسی مرتبط شده و معطوف به بقای نظام سیاسی است برای هر نظامی از جمله جمهوری اسلامی ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است این در حالی است که نظام سیاسی جمهوری اسلامی به دلیل آنکه یک اتفاق جدید و بدون هرگونه سابقه تاریخی در عرصه حکومت اسلامی به ویژه در ایران است مورد توجه اذهان عمومی در عرصه داخلی و خارجی به ویژه در میان مسلمانان جهان است و این مهم سبب شده ناکارآمدی آن تأثیرات منفی به همراه داشته باشد و چهره حکومت اسلامی را در انظار عمومی اعم از داخلی و خارجی مخدوش کند. از سویی کارآمدی به دلیل آنکه با مشروعیت نظام سیاسی پیوند می‌خورد، با بقا و تداوم نظام ارتباط دارد و این سبب شده اهمیت آن در پیوند با عدالت دو چندان شود؛ چراکه بررسی کارآمدی در تحقق عدالت آن هم از نوع سیاسی آن به جهت آنکه یکی از اهداف مهم و اصلی حکومت اسلامی و به تبع آن نظام جمهوری اسلامی است حائز اهمیت است و ناکارآمدی در آن بقا و تداوم نظام را بیشتر به خطر می‌اندازد.

### ۳-۶- سیاست خیابانی

خیابان در تاریخ معاصر ما آکنده از خاطرات سیاسی است. این خاطرات بخش مهمی از وجود چندین نسل پیاپی را شکل داده است. تا زمانی که این خاطرات زنده و بخشی از هستی اجتماعی ایرانیان است، امکانی برای سیاست‌زدایی کامل از خیابان متصور نیست و اساسا چرا باید به دنبال سیاست‌زدایی از خیابان بود؟ سیاست خیابانی، در عین آنکه ریسکی پرخطر و مستعد بیدار کردن نیروهای ویرانگر است اما سویه‌های مثبتی نیز دارد. سیاست خیابانی، سیاست شفاف و صیقلی است سیاست خیابانی واجد نوعی حضور و ادغام است سیاست خیابانی هویت بخش است. مخالفان سیاست خیابانی به درستی استدلال کنند که سویه‌های مثبت و منفی سیاست خیابانی دوروی یک سکه‌اند. راهپیماییها تجمعات و تظاهرات طبقه متوسط جدید در اعتراض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری ۸۸ و حوادث سالهای ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و پاییز ۱۴۰۱ به وضوح این مدعا را ثابت کرد. واقعیت تلخ آنست که سیاست خیابانی در ایران همواره با اقدام رادیکال و ساختارشکنانه پیوند خورده است. آیا می‌توان تصور کرد که از دل تجربه‌ای چون حضور خیابانی در شبهای منتهی به ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

امکانی برای سیاست خیابانی در چارچوب و قاعده‌مند پدیدار شود؟ هر قدر که خالی شدن خیابان در پایان مهلت انتخابات، پنجشنبه قبل از انتخابات ۱۳۸۸ این امکان را به نظر دست یافتنی کرد دود اتوبوسهای آتش گرفته در بعداز ظهر شنبه پس از انتخابات آن را دور ساخت. به‌گونه‌ای که طولانی‌ترین تجمعات اعتراضی خیابانی در سال ۱۴۰۱ که حدود سه ماه به طول انجامید نیز در واقع به نوعی تداوم وضعیت پیشین بود.

## نتیجه‌گیری

جامعه کنونی ایران در نتیجه سیاست‌های جمعیتی دولتهای گذشته با طبقه گسترده‌ای از نسل جوانی روبروست که خواسته‌ها، دغدغه‌ها، آمال هنجارها و ارزشهای نسبتاً متفاوتی را دنبال می‌کنند. قشر جوان و البته رو به میانسالی که بیشترین تعداد افراد را در ترکیب جمعیتی کشور تشکیل می‌دهند. نیازهای طبقه فوق را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد (۱) نیازهای مادی همچون مسکن اشتغال و... (۲) نیازهای غیر مادی همچون، آزادی‌های اجتماعی، مشارکت در امور سیاسی و... اشاره کرد. بی تردید، محدودیتهای اقتصادی از یکسو و خیل جمعیت جوان از سوی دیگر باعث شده تا کارآمدی حکومت در تامین نیازهای فوق با چالش اساسی روبرو شود؛ امری که مختص به دولت خاصی و ... نیست بلکه صرفنظر از سیاستهای اقتصادی دولتها مشکلی ساختاری است که گریبان نظام جمهوری اسلامی را گرفته است.

نسل جوان در مقایسه با نسلهای پیشین در محیط رسانه‌ای زندگی میکند و در استفاده از این فناوریهای جدید ارتباطی نه تنها در مقایسه با نسلهای دیگر جامعه کنونی ایران پیشرو بوده بلکه در سطح خاورمیانه و جهان جزو اولین کشورهای استفاده کننده از رسانه‌های جدید ارتباطی می‌باشد مطمئناً محتوای اکثر رسانه های ارتباطی جدید در تضاد با هنجارها، ارزشها، باورها و ایستارهای سیاسی جامعه ایران میباشد امری که در سالیان اخیر پایه های مشروعیت نظام سیاسی را به چالش کشیده و پیامدهای منفی بسیاری در عرصه های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در پی داشته است. در مجموع، سه عامل کلیدی دست در دست هم داده و باعث تشدید شکاف نسلی در جامعه ایران شده است: (۱) جوان بودن جمعیت ایران (۲) گسترش استفاده از فناوری های نوین ارتباطی؛ (۳) گسترش آموزش عالی و افزایش چشمگیر قشر دانشجو.

سه عامل فوق باعث شده تا نسل جوان پتانسیل بالقوه‌ای برای بروز رفتارهای رادیکال، اعتراض آمیز و ساختارشکنانه داشته باشد. از سوی دیگر، نزد گروهی که ایدئولوژی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را نافی دموکراسی قلمداد می‌کنند، گسست نسلها و فاصله‌گیری از ارزشهای اسلامی، انقلابی و تجربه گرم جنگ به

معنای نقطه عطف شهور نظم دموکراتیک خواهد بود. به بیان دیگر، در عرصه سیاسی کشور دو تعبیر متفاوت از شکاف نسلی در جامعه ایران وجود دارد. جناحی اصولاً به وجود شکاف نسلی در جامعه باور نداشته و طرح مسئله مذکور از طرف مدعیان را دستاویزی برای اهداف و مقاصد سیاسی می‌دانند. در مقابل، برخی به شکاف نسلی با دیدی مثبت نگاه می‌کنند و آن را فرایندی از دموکراتیزاسیون جامعه ایران می‌دانند.

## فهرست منابع

- ۱- ابوالحمد، عبدالحمید، ۱۳۸۴، مبانی سیاست، تهران: نشر توس
- ۲- افتخاری، اصغر، ۱۳۸۱، درآمدی بر خطوط قرمز در رقابت های سیاسی، تهران: فرهنگ گفتمان: مرکز بررسی های ریاست جمهوری.
- ۳- آزادارمکی، تقی، ۱۳۸۹، جامعه شناسی ایران: جامعه شناسی مناسبات بین نسلی، تهران: نشر علم.
- ۴- بشیر، حسن؛ افراسیابی، محمدصادق، ۱۳۹۱، شبکه های اجتماعی اینترنتی و سبک زندگی جوانان: مطالعه موردی بزرگترین جامعه مجازی ایرانیان، تحقیقات فرهنگی، سال ۵، شماره ۱.
- ۵- بشیریه، حسین، ۱۳۹۷، جامعه شناسی سیاسی. تهران: نشر نی
- ۶- تاجیک، محمدرضا، ۱۳۸۳، شکاف یا گسست نسلی در ایران امروز: تحلیل ها، تخمین ها و تدبیرها، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات استراتژیک.
- ۷- دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۲، اعتماد عمومی نسبت به سازمانهای دولتی، رساله دکتری دانشگاه علامه طباطبایی
- ۸- داوودی، علی اصغر، ۱۳۸۱، انقلاب اسلامی کشمکش های سیاسی و شکاف های اجتماعی، سیاسی، سال پنجم، شماره ۲۰
- ۹- رحمانزاده، علی، ۱۳۸۹، کارکرد شبکه های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ۱، پیش شماره ۱
- ۱۰- رحیمی، محمد، ۱۳۹۰، شکاف نسلی در رویکردهای جامعه شناسی، وبسایت علوم اجتماعی ایران،

- ۱۱- زاهدی، شمس السادات؛ خانباشی، محمد، ۱۳۹۱، چارچوبی نظام مند برای تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر اعتماد سیاسی در ایران، فصلنامه مطالعات مدیریت، سال ۲۲، شماره ۶۸.
- ۱۲- شایگان، فریبا، ۱۳۸۷، بررسی عوامل تاثیرگذار بر اعتماد سیاسی. دانش سیاسی، شماره ۴
- ۱۳- کاشی، محمد جواد، ۱۳۸۳، تجربه و خاطرات نسلی در ایران، تهران: دفتر انتشارات طرح‌های ملی.
- ۱۴- محسنی، منوچهر، ۱۳۸۲، مقدمات جامعه‌شناسی، تهران: نشر دوران.
- ۱۵- محمودی، اسماعیل، ۱۳۷۸، صورت‌بندی شکاف‌های اجتماعی ایران در عصر پهلوی، (پایان نامه کارشناسی ارشد)، دانشگاه امام صادق(ع)
- ۱۶- یزدخواستی، بهجت، عدلی پور، صمد، و کیخانی، الهام، ۱۳۹۲، حوزه عمومی و گفتگو در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی (بررسی تاثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر گفتگوی میان فرهنگ‌ها). مطالعات فرهنگ - ارتباطات، سال ۱۴، شماره ۲۱

1. Arjomand, Said Amir, *After Khomeini: Iran Under His Successors*, Oxford University Press, 2009
2. Gordon, M.T., (2000), "Public trust in government: the USA media as an agent of accountability", *International review of administration science*, 66, pp.279-310